

آشنایی با رسالت انبیاء

آنچه پیش روی دارید بیانات آیه‌الله
موحدی کرمانی است که در جمع
مسئولین عقیدتی سیاسی ستاد کل
نیروهای مسلح صورت گرفته است.

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا ابي القاسم محمد و على اهل بيته الطيبين الطاهرين
المعصومين المكرمين لا سباً على بقية الله في الارضين.

ان شاء الله که این سال جدید سال رحمت و ویژه پروردگار بر اولیایش و نعمت ویژه بر دشمنانش باشد. از دیدار شما عزیزان خوشحال هستم و امیدوارم که خداوند ما را مشمول عنایات خاصه‌اش قرار بدهد. بحثی که می‌خواهم امروز خدمتتان مطرح کنم، به نظرم مهم است و آن عبارت است از اینکه ما رسالت انبیاء را بشناسیم. «الذین یبلغون رسالات الله». اول ببینیم مأموریت انبیاء چه است و دیگر اینکه سیره‌هایی که این بزرگان برای انجام این مأموریت‌ها داشته‌اند چه بوده و چگونه بوده. از برکات این بحث این است که اولاً ما نقش دین را در جامعه خوب می‌شناسیم و می‌توانیم به جامعه هم بشناسانیم و دیگر آنکه توفیق تبعیت و تاسی به انبیاء خدا را به دست بیاوریم. و طبعاً در خلال این بحث بعضی از شبهه‌ها هم که به ذهن بعضی از افراد می‌آید، برطرف خواهد شد. من برای این بحث مقداری از کتاب الحیاة را که آقایان حکیمی‌ها آن را نوشته‌اند مطالعه کرده‌ام. و انصافاً آن را کتابی جامع یافتم. از امتیازات این کتاب این است که برخلاف کتب اخلاقی که اکثراً یا کلاً تکیه بر روایات دارند، در این کتاب هم به قرآن توجه شده و هم به روایات مربوطه، البته بیشتر به قرآن و این چیز مهمی است. که ما راجع به هر موضوعی به آیات قرآن مراجعه کنیم.

این کتاب آیات قرآن را جمع کرده و عناوین خوبی هم برای تبیین رسالات الهی انبیاء انتخاب کرده. بنده کمی آن را تلخیص و احیاناً کم و زیاد کرده‌ام، ولی بیشتر از این کتاب بهره گرفته‌ام. عناوینی که در رابطه با رسالات انبیاء انتخاب شده اینها است:

اول تعلیم؛ دوم رفع مشکلات و یابه تعبیری دیگر تسهیل امر زندگی، همان که در قرآن بعنوان «یضع عنهم اصرهم والاغلال التي كانت عليهم» آمده، رفع غل‌ها؛ سوم نجات انسان‌ها. انقاز انسان‌ها، چهارم دعوت به وحدت، پنجم انقاز از ظلم، ششم نجات دادن از ذلت و خواری، هفتم خدمت به مردم و اصلاح مجتمع بشری. هشتم نجات مظلومین، نهم ساده‌زیستی برای موفقیت، دهم استقامت و پایداری، یازدهم آن مشکلاتی که انبیاء در راه هدایت داشتند مانند اینکه می‌گفتند: اینها بشرنند «ان انتم الا بشر مثلکم» رسالات انبیاء را به سادگی باور نمی‌کردند. دوازدهم توجه انبیاء به فقرا که فقرا معنای خاص خودش را دارد. سیزدهم نجات مستضعفین و با مستضعفین بودن و چهاردهم تشویق و ترغیب امتها برای مقابله با طاغیان و ستمگران و مقابله با ملامت و مترفین و دیگر ذم تقلید آباء و نیاکان که این هم مسئله‌ای است که شاید یک مقداری به نظام ما هم سرایت کرده باشد. اینها چیزهایی هستند که به عنوان عناوین مهم این بحث مطرح است که من یکی یکی آن را باز می‌کنم و بیشتر تکیه‌ام آیات قرآن است. البته ما در این جلسه با توجه به بزرگان حاضر در جلسه خیلی نیاز به تشریح و توضیح نداریم.

قرآن در مورد تعلیم و یاد دادن و نجات انسانها از جهل و نادانی در سوره بقره آیه ۱۲۹ می‌فرماید: «رینا وبعث فهمهم رسولاً منهم یتلوا علیهم ایاتک و یعلمهم الکتاب والحکمه و یرزقهم» اصلاً خلاصه دعوت انبیاء در این آیه و آیات مشابه این است که بر انسان‌ها آیات الهی را بخواند و به آنها کتاب و حکمت یاد دهد و آنها را پاک کند. آیه دیگر آیه ۱۱ سوره طلاق است که می‌فرماید: «رسولاً یتلوا علیکم آیات اللّٰه مبینات» پیامبر آیات روشن و بیان‌کننده خداوند را بر شما می‌خواند «لیخرج الذین امنوا و عملوا الصالحات من الظلمات الی النور» تا انسان‌های آماده و مستعد را که مؤمنان و صالحین باشند از ظلمات خارج کند و به نور وارد کند. این کلمه نور و ظلمت هم از چیزهای بسیار مهم است که در این آیات آمده است که مصداق روشن ظلمت، ظلمت جهل است و مصداق روشن نور هم نور علم است و همینطور

در آیه ۴۸ سوره انبیاء می فرماید: «ولقد اتینا موسی و هارون الفرقان و ضیاء و ذکراً للمتقین» به موسی و هارون فرقان را دادیم که بین حق و باطل را جدا می کند و برای متقین ضیاء و نور است و ذکر و یاد.

در آیه ۴ سوره ابراهیم می فرماید: «و ما ارسلنا من رسولاً الا بلسان قومه لیبین لهم» پیغمبر برای تبیین حقایق آمده و آیه دیگر که بنظرم بسیار قابل توجه است آیه «و لقد ارسلنا موسی بایاتنا» ما موسی را با آیات و نشانه هایمان بسوی قومش فرستادیم «ان اخرج قومک من الظلمات الی النور» که قومت را از ظلمتها جدا کن و به نور برسان و «ذکرهم بایام الله» و آنها را به ایام الله متذکر کن که هم ایام الله قابل بحث است و هم اینکه یاد ایام الله بودن چه نقشی در خروج از ظلمت و ورود به نور دارد «ان فی ذلک لایات لکل صبار شکور» خداوند در ذیل آیه دو نکته را متعرض می شود، یکی صبر با کلمه صبار، کلمه صابریں در قرآن زیاد آمده است، ولی اینجا صبار آمده است. این به درد آنها می خورد که صبارند و آیتی بر آنها است، آنها می که زیاد استقامت می کنند و به دلیل همین صبر می توانند از ایام الله بهره بگیرند. چی داشتند، به چی رسیدند، از چه ذلتهایی نجات یافتند، به چه عزتهایی رسیدند و در این راه برای بقاء عزتشان به صبر نیاز دارند به صبر پیوسته و دائم در هر مقطع و همین طور شکر، ایام الله را متذکر باشند و شکر کنند. شکر هم زبانی است هم عملی است که هر کدام از آنها بحث دارد.

آیات در زمینه ارزش تعلیم و مأموریت انبیاء به تعلیم، فراوان و بی شمار است. روایتی در بحار الانوار است که از کتاب منیة المرید نقل می کند که پیامبر اکرم فرمود: «بالتعلیم ارسلت» خیلی عجیب است. اصلاً رسالت و مأموریت من تعلیم است. من برای تعلیم فرستاده شده ام. این تعلیم شامل معنای بلند عرفانی و اخلاقی هم می شود، روایت دوم را از حضرت عیسی (ع) می خوانم. در کتاب تحف العقول نقل شده است که حضرت عیسی می فرماید: «بحق اقول لکم» آنچه می گویم حق است «ما ذا یغنی عن الجسد اذا کان ظاهراً صحیحاً و باطنه فاسداً» چه خاصیتی دارد که کسی به ظاهر جسمش پیردازد اما باطنش فاسد باشد. باطن فاسد باشد. به ظاهر پیردازد. «و ما تغنی عنکم اجسادکم اذا اعجبتکم و قد فسدت قلوبکم» چه فایده ای دارد و به چه دردتان می خورد اگر چنانچه ظاهر خوبی داشته باشید اما دلها و روحهای شما

فاسد باشد «و ما یغنی عنکم ان تتقوا جلودکم و قلوبکم دنسه» چه گیرتان می آید اگر پوست بدنتان را تمیز کنید اما دل‌های شما آلوده و کثیف باشد؟ که این هم بیشتر متناسب با تزکیه که انبیاء مأمور به آن هستند می باشد.

در رابطه با تعلیم، در نهج البلاغه روایتی از حضرت امیرالمؤمنین (ع) است که می فرماید: «قیعت فیهم رسله» خدا پیامبرانش را فرستاد «و اتر الیهم انبیائه» و این پیامبران را پی در پی فرستاد که این پیغمبران چه کنند؟ «لیستأدوهم میثاق فطرته» که انسانها را وادار کنند به اداء پیمان فطرت. مردم را وادار کنند که: شما با خدا پیمان بسته‌اید، پیمانتان را اداء کنید. کجا پیمان بسته‌اید؟ در فطرت پیمان بسته‌اید. برگردید به فطرت ببینید که همه‌تان به خدا وصل هستید. وصل به مبدأ هستید و این را می‌توانید کاملاً درک کنید. توجه به توحید و خدای متعال و آن آیه که می‌فرماید: «ولئن سئلم من خلق السموات والارض... و یشیروا لهم دقائق العقول» و انبیاء بیایند و آن عقلهای دفن شده و زیر خاک رفته و ناپدید و غیر نمایان را از درون قبرها بیرون بیاورند و مورد استفاده انسانها قرار بدهند. عقول دفن شده را برانگیزانند و بیرون بیاورند.

خوب این مسئله تعلیم چیزی که در اینجا به درد ما می‌خورد یکی آشنا شدن با رویه انبیاء است در این زمینه و دوم اهمیت قضیه است و اینکه ما مسئله تعلیم را در زندگی فردی و اجتماعی خود وارد کنیم و به این تعلیم و علم و دانش بالاترین اهمیت را بدهیم. بالاترین خدمت به جامعه همین معنا است که تعلیم باشد. عنوان دوم عنوان رفع اغلال است که انبیاء غل‌ها را از دست و پای مردم باز می‌کنند. آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: «الذین یتبعون الرسول النبى الامى الذى یجدونه مکتوباً عندهم فی التوریه والانجیل...» تا آنجا که «و یضع عنهم اصرهم والاعلال التى کانت علیهم» پیامبر می‌آید آن دشواری‌ها را برمی‌دارد و زندگی را آسان می‌کند. پیمودن راه کمال را آسان می‌کند، در ذیل آیات روزه می‌فرماید: «یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر» خداوند نمی‌خواهد با روزه شما را به سختی بیندازد بلکه خدا برای شما یسر می‌خواهد. می‌خواهد راه را برای شما آسان کند. راه زندگی با تمرین روزه آسان می‌شود. با تمرین دشواری‌های گرسنگی و تشنگی، پیمودن راه کمال که در آن مشکلاتی است برایتان آسان می‌شود.

عنوان سوم انقاذ انسان است، انبياء آمده‌اند انسان را نجات بدهند. این آیه مربوط به نجات انسانها و ذلت و امثال اینها است که می‌فرماید: «واذكروا اذ انتم قليل» یادتان باشد ای امت اسلامی قوی و قدرتمند که نام شما به همه جا رفته و همه جا را هم شیفته کرده و همه دشمنان را ترسانده. «اذ انتم قليل» یک زمان تعدادتان خیلی کم بود. آنقدر کم بودید که «مستضعفون في الارض» زیر سلطه ستمگران بودید «و تخافون ان يستخفكم الناس» اصلاً می‌ترسیدید از خانه بیرون بیایید شما را بزدند و ببرند! خدا به شما جا داد «و ايدكم بنصره» و شما ضعیفان را یاری کرد. نیرومندان کرد «و رزقكم من الطيبات لعلكم تشكرون» وضع مکه اینطور بود، واقعاً می‌ترسیدید، افراد را می‌گرفتند و می‌زدیدند می‌بردند، سوار کشتی می‌کردند و در گوشه‌ای از دنیا به عنوان برده می‌فروختند. و همینطور آیه شریفه‌ای که خداوند به افراد قدرتمند مأموریت می‌دهد که به فکر ضعفا باشند. نمی‌شود تماشاچی بود نمی‌شود گوشه‌ای از دنیا یک گروهی مظلوم باشند و زیر سلطه و دیگرانی که قدرت دارند و می‌توانند کاری بکنند، اقدامی نکنند.

این صریح آیه شریفه است: «و ما لكم لا تقاتلون في سبيل الله والمستضعفين من الرجال والنساء والولدان» چه شده که شما در راه خدا برای نجات انسانهای مستضعف و انسانهای زیر سلطه از مردان و زنان و بچه‌ها نمی‌جنگید؟ «الذين يقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها» اینهایی که در زیر سلطه هستند و می‌گویند خدایا ما را از اینجا جایی که به ما ستم می‌کنند نجات بده «واجعل لنا من لذنك ولياً» برای نجات ما از جانب خودت ولی بفرست «واجعل لنا من لذنك نصيراً» یاوری برای ما بفرست، این مأموریتی است که قرآن به انسانهایی می‌دهد که توان و قدرت دارند و می‌توانند کاری بکنند. کار مالی یا به هر شکلی که می‌توانند باید همت کنند.

حضرت امیرالمؤمنین (ع) چه زیبا فرمود: «فان الله تعالى بعث محمداً صلى الله عليه وآله وسلم» خداوند متعال پیغمبرش را فرستاد برای این برنامه، حضرت چهار چیز ذکر کردند، خلاصه مأموریت پیغمبر در این چهار جمله است و همه آنها بیانگر نجات انسانها است. «ليخرج عبادة من عبادة عبادة الى عبادة» پیغمبر آمده که پرستش را منحصر به خداوند کند و انسانهایی که انسانهای دیگر را می‌پرستند از پرستش انسانها نجات بدهد. «و من عهد عبادة

الی عهوده» و پیمانهای انسانها را منحصرأ پیمان الهی کنند که همه با خدا پیمان ببندند و از پیمانهای مردمی که نوعاً در آن سلطه ستمگران و ذلت مستضعفان است نجات پیدا کنند «و من طاعة عباده الی طاعته» از اینکه انسانهای گرفتار طاعت و خضوع و تسلیم در مقابل انسانهای دیگر هستند، پیامبر آمده همه اینها را در مقابل خدا منقاد کند و تسلیم کند که هر عزتی در این تسلیم بودن هست «و من ولایة عباده الی ولایته» و اینکه پیغمبر خواست سرپرستی‌ها را هم منحصر کند که فقط و فقط سرپرست شما خداست و هیچ سرپرستی غیر خدا را قبول نکنید؛ البته غیر از آنهایی که سرپرستی آنها صبغة الهی و دعوت الی الله دارد. این است بیان امیرالمؤمنین در نجات انسانها. عنوان دیگر دعوت به وحدت است. پیغمبران و پیامبر اکرم آمدند تا انسانها را از تفرقه نجات بدهند و به وحدت دعوت کردند. آیه شریفه: «قل یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئاً و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون» دعوت کن اهل کتاب را، یهود و نصارا را و به آنها بگو «تعالوا الی کلمه سواء» بیاید جمع شویم بر یک سخن واحدی که همه مان می‌توانیم داشته باشیم و آن اینکه «الا نعبد الا الله» فقط خدا را پرستیم «و لا نشکر به شیئاً» و کنار خدا هیچ چیز نگذاریم» «و لا یتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله» (آل عمران / ۶۴) و ولی، رب و بزرگ و حاکمان فقط خدا باشد و هیچ‌کس را نپذیریم. اگر آنها نپذیرفتند به آنها بگو که شما گواه باشید که ما تسلیم این سخنان حق هستیم.

قرآن در آیه ۱۰ سوره حجرات امت اسلامی را اینگونه دعوت می‌کند: «انما المؤمنون اخوه» مؤمنین برادرند «و اصلحوا بین اخویکم» بین برادرانتان اصلاح کنید «اتقوا الله لعلمکم تفلحون» و اگر می‌خواهید مشمول رحمت الهی باشید از خدا بترسید و دست از اختلاف بردارید «واعتصموا بحبل الله جمیعا و لا تفرقوا». متأسفانه همان چیزی که امت اسلامی و گروههایی که باید بیدار باشند و تمسک به این آیه داشته باشند، بیدار نیستند و بدبختی‌های امت اسلامی هم به واسطه همین است که توجه به این آیات نیست. البته الحمد لله ایران دعوت به این معنا می‌کند، ولی خیلی‌ها گوش شنوا ندارند. در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید: «واعتصموا بحبل الله جمیعا» به ریسمان خدا بچسبید و اعتصام کنید و جدا نشوید. همه‌تان به این ریسمان واحد بچسبید. «واذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعداء» یکی از همان

ایام الله همین است. «ذکرهم بایام الله». نعمت خدا یادتان باشد که شما دشمن هم بودید اما خدا دلهایتان را نرم و به هم نزدیک کرد «فاصبحتم بنعمته اخواناً» در نتیجه شما برادر شدید. عامل نجات شما از هر ذلتی این معنا بود.

و در دو آیه بعدی همین سوره می فرماید: «و لا تكونوا كالذين تفرقوا واختلفوا من بعد ما جاءهم البينات» مانند آنهایی نباشید که بعد از آنکه بینه و دلیل روشن برای آنها آمد باز هم به این بینه اعتصام نورزیدند و دچار اختلاف شدند.

و در آیه ۱۵۳ سوره انعام می فرماید: «و ان هذا صراطی مستقیماً فاتبعوه و لا تتبعوا السبیل فتفرق بکم عن سبیلہ ذلکم وصاکم به لعلکم تتقون» که می فرماید: راه این است و در این راه باشید و پراکنده نشوید و این وصیت و سفارش خداست به شما. و در این زمینه آیات دیگری هست که به همین مقدار اکتفا می کنم. این هم مسئله دعوت به وحدت.

من عرایضم را خاتمه می دهم. ان شاء الله اگر خداوند حیات داد عناوین دیگری هم هست که بسیار عناوین ارزنده ای است، ان شاء الله اگر توفیقی بود در جلسه بعد خدمت شما عرض می کنم.

خدایا به محمد و آل محمد صلواتک علیهم اجمعین راه انبیاء را به ما بنمایان و توفیق پیروی از راه آنان را به ما کرم فرما!

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی